شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

شنبه

سال پانزدهم
۱۸ فروردین ۱۴۰۳
۲۶ رمضان ۱۴۴۵
شماره ۴۱۸۷

Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
● صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
● مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
● سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
● نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
● دفتر مرکزی: ۵-۱ ۸۸۸۸ ۳۷۲-۰۵۱
● نمابر: ۳۸۴۹۰۳۸۴-۰۵۱
● روابط عمومی: ۳۸۴۸۳۷۵۲-۰۵۱
● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا ۳۸٪	↓ ۱۱° ↑ ۲۴°
صبح ۱۳	ظهر ۲۲
عصر ۲۱	شب ۱۶

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۳۳:۴۹	نیمه شب شرعی ۲۲:۵۰:۱۴
غروب آفتاب ۱۷:۵۷:۵۶	اذان صبح فردا ۰۳:۴۰:۵۵
اذان مغرب ۱۸:۱۶:۲۶	طلوع آفتاب فردا ۰۵:۰۸:۱۸

روایت یک قاب

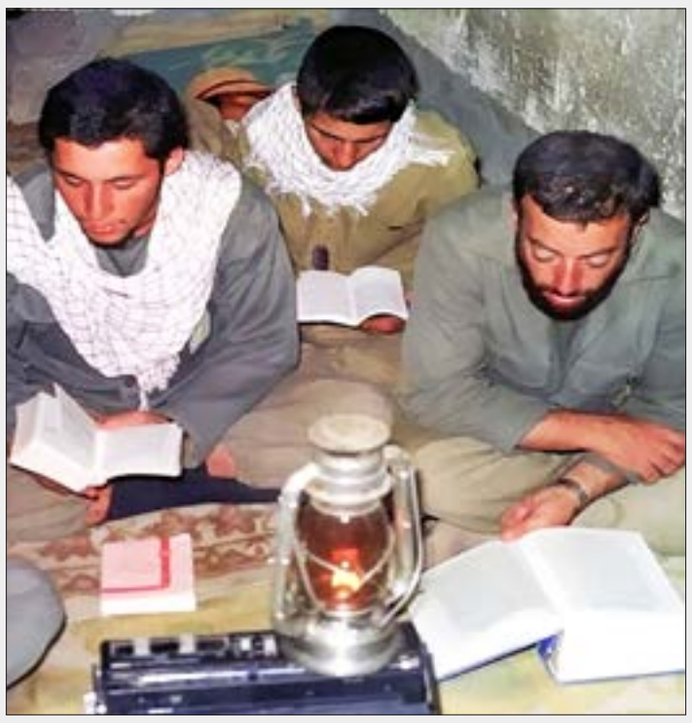

یادگاری از صداقت

حمید سبحانی
عکاس و نویسنده

بخش مهمی از ثبت رویدادهای تاریخی برمبنای تاریخ شفاهی شکل می گیرد. در واقع این روایت های عامه و توده مردمی است که می تواند شبیه چراغی نور بیندازد بر جزئیات گنگ یا نامکشوف اتفاقات و رویدادها. از این دست روایات و شواهد عام در طول تاریخ کم نبوده است که باعث حل شدن معماها یا باز شدن گره های تاریخی شده است. همین طور باید گفت که بخش مهمی از روایت تاریخ بر دوش تصویر و به خصوص در دویست سال گذشته بر دوش عکاسی بوده است.

اما با چنان شرحی که گفته شد همیشه عکاسان حرفه ای یا متخصصان تصویر در بطن یک حادثه یا رویداد حضور نداشته اند و نمی توانسته اند به آن تکثر هم دست پیدا کنند. اینجاست که نقش عکس های معمولی که به طور مشخص به آن ها «عکس یادگاری» گفته می شود اهمیت پیدا می کند.

عکس هایی که از سوی آدم های معمولی و بیشتر از سوی بخشی از همان گروهی که در رویداد و اتفاق تأثیر مستقیم دارند به صورت آماتوری یا «یادگاری» گرفته شده است. این گونه عکس ها از دو جهت حاوی ارزش هستند، اول وجه اسنادی و گواهی بر رویداد و دوم بکری و اصالتی که گاه نمی توان در عکس های حرفه ای آن را یافت.

در دوران جنگ هشت ساله و دفاع مقدس ماه رمضان مقارن بود با تابستان و گرمای جنوب که به بالاتر از ۵۰ درجه می رسید. طبق فتاوای مختلف به دلیل گرمای بیش از حد، جا به جایی زیاد رزمندگان و آمادگی برای رزم حکم مسافر برای بسیاری از رزمندگان داده شده بود و نیاز به گرفتن روزه نبود، اما مناسک و نیایش شب های ماه مبارک با شکوه روحانی خاصی برگزار می شد.

معدود عکس هایی که از ماه های رمضان آن دوران منتشر شده است، همه عکس هایی است که با دوربین های شخصی و با همان نگاه یادگاری ثبت شده است. عکس پیش رو مربوط است به رمضان (تیر) سال ۱۳۶۲ در منطقه حاج عمران و شب های قبل از عملیات والفجر۲.

عکس نه تنها حداقل های فنی ترکیب بصری را دارا نیست بلکه دارای خطاهای عکاسی چون برش نیمه آدمها در اطراف کادر نیز هست، اما این موضوع بی اهمیت ترین نکته این تصویر است. عکس از صداقتی مستحکم برخوردار است که شاید همان خطاهای عکاسانه بر آن شدت بخشیده است و از سویی اطلاعات خوبی از فضای خاص حاکم می دهد.

طبق روایات ثبت شده به دلیل حساسیت های عملیاتی در آن شب ها گروه های کوچک رزمنده به صورت جداگانه و در سنگرهای پراکنده زیر نور کم رمق یک فانوس به مراسم احیا مشغول بوده اند تا اشراف اطلاعاتی دشمن به حداقل ممکن برسد. این عکس بعد از انتشار حال و هوای آن فضا، اطلاعات درستی هم از این روایت انتقال می دهد.

عکس: خبرگزاری دفاع مقدس

اول شخص

شکوه پرواز با بال های زنانه

مروری کوتاه بر سرگذشت عفت تجارت چی، نخستین زن خلبان ایرانی که ۲۵سال پیش در چنین روزی درگذشت

آزاده چشمه سنگی
نویسنده

دوسال بودکه بیست فروند هواپیمای دوباله بریتانیایی با عنوان «تایگر موث» به ایران وارد شده بود. هواپیمایی سبک با کاربری آموزش و گشت های هوایی. آن روزها، عفت تجارت چی تازه دبیرستان را تمام‌کرده بود. مدتی را در بانک ملی و کمی بعد به عنوان مترجم زبان فرانسه در کتابخانه دانشکده پزشکی مشغول به‌کار شده بود، اما رؤیای دوردست‌کودکی، رهایش نمی‌کرد. همه چیز از تماشای یک فیلم سینمایی آغاز شد. در مرور خاطراتش اشاره می‌کند: «زمانی‌که محصل دبستان بودم روزی برای تماشای فیلم به یکی از سینماهای تهران رفتم. در این فیلم خلبان هواپیما هنگام پرواز در دریا سقوط کرد سپس عده‌ای به‌کمکش شتافتند و با زحمت بسیار او را از درون کابین هواپیما و آب بیرون کشیدند اما وقتی خلبان، کلاه مخصوص خود را از سر برداشت، متوجه شدندکه او یک زن است. یک زن خلبان! مشاهده این فیلم روزنه های امید را در دلم روشن کرد و باورکردم من هم می توانم روزی خلبان شوم.»

از روزی‌که خیال خلبانی به سر عفت تجارت چی افتاد، تا زمانی‌که لباس های قواره بزرگِ خلبانی را در دوره های آموزشی دوشان تپه به تن کرد، هزار اتفاق ریز و درشت افتاد اما دست آخر، لبخند حمایت پدر، قدم هایش را استوارکرد. روزنامه ها خبر از تأسیس باشگاه خلبانی و جذب نیروهای علاقه مند می دادند. شوق شرکت در دوره های آموزشی، عین ماهی توی سرش می سُرید. حتی یک بار تا پای ثبت نام رفته بود، اما عنوان «نخستین زن داوطلب خلبانی»، جرئت و جسارت را در وجودش سرکوب می‌کرد.

«چه اشکالی داردکه تو اولین زن خلبان ایرانی باشی! برو هرچه زودتر در باشگاه خلبانی ثبت نام کن.» همین یک جمله از پدر، تردیدهایش را به پایان برد. رؤیای سال های نوجوانی را روی شانه هایش گذاشت و با قلبی آرام و چشمانی مشتاق، به سوی آموزشگاه حرکت کرد. شجاعت و اعتماد به نفس عفت بیست وسه ساله، نه فقط پدرش را که تمامی کارکنان آموزشگاه و جراید مطبوعاتی را به تحسین واداشت. او نخستین دختری بودکه خیال پرواز را در میدان عمل، تجربه می‌کرد. جامعه مردسالار دهه۲۰ حالا به تماشای دختر جوانی نشسته بود که هدایت یک هواپیمای سبک را به کار در موقعیت های معمول آن دوران ترجیح می داد. پس از آن بود که چندین دختر دیگر از جمله آنیا اوشید، قدسیه فرخزاد، فخرالتاج منفردی، عذرا رحیمی، درخشنده ملکوتی و صفیه پرتوی نیز در باشگاه خلبانی نام نویسی کردند. قبای خلبانی جوری به قامت مردان آن ایام دوخته شده بودکه لباس مخصوص پرواز به تنش زار می زد. پس از چند جلسه، لباس هایی به اندازه او و دیگر دختران داوطلب تهیه شد.

بعد از جلسات تئوری، نوبت به نخستین پرواز با مربی درکابین روباز هواپیمای تایگر موث رسید. مربی در قسمت جلو و کارآموز در قسمت عقب کابین قرار گرفتند و به این ترتیب برنامه های آموزشی به شکل عملی آغاز شد. هیجان، شوق، اضطراب ولذت، عفت تجارت چی را هربار به ادامه مسیر مصمم تر می‌کرد. آن دو جلسه آموزش در هفته، به طور مداوم تا یک ماه ادامه یافت و پس از آن، موعد نخستین پرواز مستقل فرارسید.

حالا او در جای همیشگی خود می نشست و در جایگاه مربی به منظور حفظ تعادل هواپیما کیسه های شن و ماسه جایگزین می شد. یک ماه و بیست و دو روز از نخستین جلسه آموزشی او گذشته بود. عفت تجارت چی در زیباترین پاییز زندگی اش به استقبال رویایی ترین لحظه عمرش می رفت: «پشت دیوان حافظ خود به یادگار نوشتم: پرشکوه ترین روز برای یک خلبان، روزی است‌که اولین پرواز آزادش را انجام دهد، ۲۷آبان ۱۳۱۹» و پس از آن نزدیک به پانزده دقیقه در آسمان پروازکرد. دوری در اطراف فرودگاه زد و پس از آن به نقطه اولیه برگشت. همه چیز به ایده آل ترین شکل ممکن پیش رفت.

پرواز موفقیت آمیز عفت تجارت چی و خستگی دوماهه او و مربیانش با لبخند رضایتی دل پذیر به در شد. مدتی بعد نیز ازدواج کرد و به کرمانشاه و همدان رفت. عفت تجارت چی در آستانه چهل سالگی به دنیای ادبیات متمایل شد و در سال ۱۳۳۷، مجموعه شعری با عنوان «دیوان برگ های پراکنده» منتشرکرد.

از عفت تجارت چی و همسرش سه فرزند با نام های سینا و ساسان و ناهید به یادگار ماند که در این بین سینا نیز با تحصیل در رشته مهندسی هواپیما دنباله رو علایق مادرش شد. اما ۱۹فروردین ۱۳۷۸ بودکه عفت تجارت چی درست یک روز پس از درگذشت همسرش، در سن هشتادودوسالگی بدرود حیات گفت و در قطعه ۶۶ بهشت زهرا(س) تهران به خاک سپرده شد.

شهلا ده بزرگی، اولین خلبان زن بعد از انقلاب اسلامی با تجربه پرواز در جنگ

شهلا ده بزرگی که پیش از انقلاب اسلامی مدرک خلبانی خود راگرفت، نخستین زن ایرانی است که پس از انقلاب اسلامی به عنوان خلبان مشغول به فعالیت شد. او بعد از پایان دوره آموزشی مشغول آموزش پرواز با هواپیماهای بونانزا، سسنا، پایپر، توباگو و تی بی ۲۱ و هواپیماهای دوموتوره شرایک، کماندر، آیلندر و... به دانشجویان خلبانی شد.

بعد از شروع جنگ تحمیلی، او هم مانند دیگر همکاران مرد، مأمور انجام عملیات در منطقه جنگی شد. شهلا ده بزرگی بعد از جنگ هم دست از پرواز نکشید. او وارد سازمان هواپیمایی کشوری شد و مسئولیت پرواز و بازرسی همه دستگاه های ناوبری فرودگاه های کل کشور را بر عهده گرفت. کتاب «بانوی آبی ها»، شرحی بر زندگی پرافتخار این بانوی ایرانی است.

کوچه

جبهه اقتصاد و اژدهای هفت سرِ فساد

غلامرضا بنی اسدی
روزنامه نگار

چندسالی است که شعار سال از سوی رهبر انقلاب، اقتصادی تعیین می شود. این یعنی راهبرد انقلاب باید در این حوزه سامان یابد تا راه بر بی سر و سامانی که دشمن در این حوزه می خواهد بسته شود.

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب هم به تأکید مؤکد همه را به «طهارت اقتصادی» توجه داده اند. یعنی راهبرد شکوفایی اقتصادی به راهبرد واجب طهارت اقتصادی، باید غنی سازی شود تا به استغنای معرفتی مردم هم بینجامد.

رویکرد برخاسته از نگاه رهبری، اقتصاد مصلحانه است. این نیز اقتصادگران صالح را می طلبد.

جهاد اقتصادی به قاعده جهاد دفاعی و نظامی اهل و اصحاب خود را می طلبد. در دفاع مقدس، رزمندگان به اخلاص چشم بر خود می بستند تا به افقی باز کنند که سربلندی اسلام و انقلاب و ایران توأمان پرچم افزا باشد. اقتصاد هم همتی چنین و اخلاصی چنان می طلبد و الا عرصه اقتصاد به خاطر پول های زیادی که در آن جا به جا می شود به شدت لیز است. از فراوان کسانی که پا به این عرصه می گذارند، به سلامت گذشتگان کم هستند. بسیاری زمین می خورند و بسیاری هم اگر نه دامن که پاچه هایشان خیس می شود.

مراقبتی علی وار می خواهد تا کارگزاران به سلامت برهند از میدان مین اقتصادی. کاسه حلوای اشعث بن قیس و جواب مولا علی(ع) باید رسم الخط عملی مسئولان باشد. امام راه را بر قیس بست تا راه را به ما نشان بدهد که چه باید کرد و چگونه باید دست و دیده و حتی دل را پاک نگه داشت. «طهارت اقتصادی» تربیتی چنین را طلب می کند و الا کیست که دلش در برابر تطمیع ها نلرزد؟ کیست که پشتش در برابر تهدیدها نلرزد. مفسدان اقتصادی یا به تطمیع در باغِ سبز نشان می دهند یا نقاب شکسته، مافیاوار، سرخی خون را به یاد می آورند. مردِ میدان می خواهد که در برابر این دو «ت» «محکم» «نه» بگوید. این دو «ت» که هر کدام با تلاقی است مرگ آفرین و حیات سوز و طهارت زدا. نمی خواهم ضمیر را جوری بنویسم که مرجعِ معدود داشته باشد.

این دایره هشدار و امر به معروف را محدود می کند. خبرها البته به اختصار یا تفصیل، نام ها را فهرست می کند. من می گویم حوزه اقتصاد، از میدان جنگ هم خطرناک تر است. چالش هایی دارد که اگر تربیت علوی و التزام مؤمنانه به طهارت اقتصادی نباشد، بزرگان را هم شکار می کند چه رسد به کارگزاران ساده در جایگاه های مختلف را. مقابله با فساد، این اژدهای هفت سر، هزینه بسیار دارد. براساس مطالعات و تحلیل اخبار می گویم، مقابله با مافیای فساد، غیرت در اندازه شهید می خواهد.

می زنند هر کس را که در برابرشان قد علم کند. خیلی راحت تر از افسران بعثی که تیر خلاص می زدند. اینان نه تنها با اختلاس به پیشانی یک ملت شلیک می کنند که قهرمانان مبارزه با فساد را هم به انواع ترورها به شهادت می رسانند.

باز هم از نام بردن ابا می کنم اما کسی که خودش دوبار تا مرز شهادت رفته است می گفت آنچه در سریال «اژدهای هفت سر» می بینیم، یک سر این اژدها هم نیست. سر فراوان دارد. شمشیر و گرز رستم می خواهد برای کوفتن هر سرش. شهید می خواهد این میدان.

کارتون شهر

مجید ادیبی

عاقبت تروریست ها

در حاشیه حمله تروریستی چابهار و راسک که تعدادی از عاملان این جنایت به هلاکت رسیدند و تعدادی نیز دستگیر شدند.